

جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران)
دوره جدید، سال پانزدهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۹۶

تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر ارتقاء سطح فضای جغرافیایی مطالعه موردی: استان قم

حسن کامران^۱، سیدعباس احمدی^۲، حسین بقایی‌نیا^۳ و زهرا انصاری^۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱/۱۶، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۴/۳

چکیده

تقسیمات کشوری از مصادیق بارز نقش‌آفرینی دولت‌ها در مدیریت فضای سرزمینی است که در بسیاری رشته‌های علمی به خصوص در جغرافیای سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. دولت‌ها با انجام تقسیمات کشوری و قلمروسازی هدفمند در حوزه سرزمینی خود، اهداف خاصی را دنبال کرده و بر اساس قواعد و مقررات مشخصی، مدیریت موردنظر خویش را در فضای سرزمینی اعمال می‌کنند. در فرایند تغییر سطح واحدهای سیاسی-اداری عوامل متعددی نقش‌آفرینی می‌کنند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جمعیت، وسعت، فرهنگ و قومیت، قدمت، امنیت، دسترسی و ... اشاره کرد. درعین حال در مواردی مشاهده می‌شود که وجود یکسری ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیک و یا ویژگی‌های دینی و مذهبی، معیارهای مذکور را در حاشیه قرار داده و خود به‌تنهایی نقش اصلی را در ارتقاء سطح تقسیمات کشوری ایفا می‌نمایند. یکی از این موارد در ایران تبدیل شهرستان قم به استان قم است که در این مقاله چرایی و چگونگی آن و نیز عوامل تأثیرگذار در آن مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و اطلاعات و داده‌های موردنیاز آن از طریق منابع کتابخانه‌ای، الکترونیک و مراجعه به اسناد و مدارک مربوطه گردآوری شده است. نتیجه تحقیق نشان داد که در ارتقای سطح سیاسی شهرستان قم و شکل‌گیری استان قم، عامل سیاسی-مذهبی نقش اصلی را ایفا کرده و نسبت به دیگر عوامل تأثیر بیشتری داشته است.

کلیدواژگان: ایدئولوژی تشیع، سازمان‌دهی سیاسی فضا، سیاست، مذهب.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۲. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

۳. دانشجوی دوره دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

سازمان‌دهی سیاسی فضا اگر مهم‌ترین بحث دولت‌ها نباشد، بدون تردید یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین مباحث آن‌ها است که عوامل سیاسی و اجتماعی، تاریخ و فرهنگ یک جامعه را به کمک می‌طلبد. مبحث سازمان‌دهی سیاسی فضا تا بدان حد دارای اهمیت است که به‌عنوان شاخصی برای گونه‌شناسی نظام‌های حکومتی نیز به‌کار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت سازمان‌دهی سیاسی فضا، تقسیم‌بندی یک پهنه سرزمینی بر اساس عوامل و محدوده‌های همگن اجتماعی، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اداری به‌منظور اداره و مدیریت پهنه سرزمین و بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع در راستای برقراری توسعه پایدار و به‌منظور ایفای نقش سیاسی می‌باشد (احمدی پور، ۱۳۹۰: ۶۹).

بیشتر کشورها با انجام تقسیمات کشوری، به‌عنوان رایج‌ترین نوع منطقه‌بندی یا سازمان‌دهی سیاسی فضا باهدف‌های متعدد از جمله تسهیل در اداره امور داخلی به طبقه‌بندی فضای سرزمینی خود پرداخته‌اند (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۳) و این تقسیم‌بندی‌ها عمدتاً ناشی از ساختار اجرایی، ساختار سیاسی، سوابق تاریخی، تفاوت‌های منطقه‌ای و توانمندی‌های ویژه تأثیرگذار است (بدیعی، ۱۳۹۲: جزوه کلاسی).

نظام تقسیمات کشوری از اهم مسائلی است که دولت‌مردان و مسئولین کشورها به‌دلیل اهمیت ویژه آن در راستای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و ... توجه خاصی به آن دارند. همچنین اداره بهتر سرزمین، بهره‌برداری بهتر از منابع، ارائه خدمات مطلوب‌تر و حفظ نظم و انسجام و آمریت نظام، از الزامات یک واحد سیاسی است که در راستای ملاحظات نظیر ایجاد وحدت ملی، تأمین امنیت ملی و اعمال نظارت عالیّه مورد توجه قرار می‌گیرد.

برای رسیدن به این اهداف و نیز پاسخ‌گویی به تمایلات و تقاضاهای مناطق، کشورها اقدام به تقسیم محدوده سرزمینی خود به واحدهای به واحدهای سیاسی - اداری کوچک‌تر می‌نمایند. در ایران نیز نظام تقسیمات کشوری در تمام سطوح میل به ارتقاء داشته و دارد. به‌طوری که از سال ۱۳۱۶ تا کنون تعداد استان‌ها از ۱۰ به ۳۱ استان افزایش یافته است. روشن است که در این تغییر و تحولات و افزایش و افزایش تعداد استان‌ها و شهرستان‌ها عوامل متعددی نقش داشته‌اند.

در یکی از نمونه‌های بعد از انقلاب اسلامی، شهرستان قم در سال ۱۳۷۵ از استان تهران منتزع و به‌صورت یک استان رسمیت یافت. در این پژوهش، نقش عوامل تأثیرگذار در تبدیل شهرستان قم به استان قم و ارتقای نقش سیاسی آن بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود.

پیشینه تحقیق

در رابطه با تقسیمات کشوری و سازمان‌دهی نظام سیاسی کشور، تحلیل‌ها و پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها، می‌توان به؛ نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد: ایران (احمدی‌پور زهر، ۱۳۹۰، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا)، تحلیل نظام سیاسی تقسیم سیاسی فضا در ایران (اعظمی‌هادی، ۱۳۹۰، فصلنامه ژئوپلیتیک اشاره کرد.

این موضوع به‌لحاظ اهمیت و کاربرد به‌ویژه پس از تغییرات به‌وجود آمده در نظام سیاسی تقسیم سیاسی فضا، درخصوص فضاهای تغییر یافته مانند: خراسان، زنجان، اردبیل و ... بررسی شده و تأثیر عوامل تأثیرگذار در این

تغییرات مانند جمعیت، وسعت، امنیت و عوامل سیاسی و یا تغییرات ایجاد شده پس از ارتقاء نظام سیاسی در آن مکان‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

ادیات و مبانی نظری

• سازمان‌دهی سیاسی فضا

سازمان‌دهی سیاسی فضا، چگونگی ساخت تعامل فضایی انسان را به‌منظور ایفای نقش‌های سیاسی نشان می‌دهد. نقش‌های سیاسی را نیز می‌توان از طریق شناسایی اهداف سیاسی از سایر نقش‌ها، تفکیک کرد که اهداف سیاسی و فرایندهای سه‌گانه آن عبارت‌اند از:

- کنترل و نظارت بر توزیع، تخصیص و مالکیت منابع کمیاب مانند زمین، پول، قدرت. این نقش را می‌توان هماهنگ‌کننده و اداری نامید که هدف آن تأمین نیازهای جامعه است.
- حفظ نظم، آمریت و اقتدار. در این عرصه حل کشمکش‌های درون - برون جامعه موردنظر است.
- مشروعیت‌دادن به آمریت و اقتدار با یکپارچه‌سازی اجتماعی. در این عرصه تأکید بر ایجاد و حفظ نهادها و الگوهای رفتاری است که موجب وحدت و انسجام می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۷: ۱۱).

در این راستا، حفظ نهادها و الگوهای رفتاری است که به پیشبرد وحدت و پیوستگی در جامعه کمک می‌کند. گاه نیز سازمان‌دهی درونی یک قلمروی جغرافیایی «سازمان‌دهی سیاسی فضا» یا «قلمروسازی» نامیده می‌شود. به این عوامل می‌توان توانمندی‌های ویژه تأثیرگذار در به‌دست آوردن قابلیت‌ها برای دنبال نمودن اهداف را نیز اضافه نمود. میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل می‌تواند در چگونگی این تقسیم‌بندی‌ها موثر واقع شود (بدیعی، ۱۳۹۲: جزوه کلاسی).

• ایدئولوژی تشیع و نحوه تأثیرگذاری آن

ایدئولوژی به‌معنای دستورهای کلی سیاسی است که دانسته یا ندانسته بر مبنای فلسفه معینی قرار دارد و یک سیستم فکری سیاسی را تشکیل می‌دهد. این سیستم، راهنمای عمل است و گروه‌هایی از مردم در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود از قواعد آن پیروی می‌کنند (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸: ۸۹). در واقع، ایدئولوژی، استراتژی و تاکتیک‌های رسیدن به هدف را مشخص می‌کند و به‌عبارتی، آیین‌نامه اجرایی مکتب فکری انقلاب است (شفیعی‌فر، ۱۳۷۸: ۹۰). به این ترتیب، می‌توان گفت، ایدئولوژی نوعی نقشه و راهنما برای سیاستمداران و کارگزاران است و کنش و رفتار آن‌ها را هدایت می‌کند. در راستای ایدئولوژی، منازعات و جدال‌ها حل می‌شود، یا بالعکس، شکل می‌گیرد و یا گسترش می‌یابد. همچنین به کمک آن، گذشته تفسیر، زمان حال، توضیح و آینده، پی‌ریزی می‌گردد و راهی انتخاب می‌شود که از نظر ایدئولوژی مطلوب‌تر است (عالم، ۱۳۷۳: ۸۴). جایگاه مذهب در مطالعات جغرافیایی از طریق تأثیر مذهب در تعیین الگوی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و اثر بینش‌های مذهبی در خلق چشم‌اندازهای جغرافیایی تعیین و تبیین می‌شود. مذهب به‌مثابه یکی از عناصر فرهنگی و یک پدیده، منشأ ایجاد تغییر، تفاوت و تباین در مکان‌های گوناگون می‌باشد. به‌طوری که می‌توان جغرافیای مذهب را مطالعه تأثیرات مذهب در سازمان فضایی جوامع تعریف نمود (تولایی: ۱).

در فرآیند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به‌مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌بخش جلوه‌گر شد و ایدئولوژی تشیع به‌مثابه شالوده اصلی فکری و محتوایی، به‌عنوان مبنایی برای تدوین سیاست و استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و اهمیت آن تا حدی است که می‌توان آن را یکی از عوامل مهم آیکونوگرافی^۱ و علت وجودی بخش وسیعی از ملت ایران به‌حساب آورد. این عامل در برخی از مناطق از جمله قم با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مذهبی، نقش پررنگ‌تری ایفا نموده و زمینه‌ساز بسیاری از تغییرات و دگرگونی‌ها در سازمان فضایی آن شد.

روش تحقیق

در این پژوهش، مطالعات صورت گرفته براساس روش توصیفی - تحلیلی بوده است و در آن سعی شده است با تکیه بر یافته‌های تحقیق و بر اساس استدلال و تحلیل، این فرضیه که؛ مولفه‌های ایدئولوژی و سیاست مهمترین نقش را در ارتقاء نظام سیاسی شهر قم داشته‌اند، مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. در جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز عمده‌تاً از منابع کتابخانه‌ای، منابع آماری مرکز آمار ایران، منابع اینترنتی و بررسی‌های میدانی استفاده شده است و با توجه به اینکه تحقیق موردنظر رویکردی مکانی - فضایی دارد از نقشه‌ها و جداول برای مفهوم و رساتر شدن بیشتر مطالب استفاده شده است.

قلمرو تحقیق

استان قم با وسعتی معادل ۱۱۵۲۶.۲۶۲ کیلومترمربع در مرکز کشور واقع شده و مرکز آن شهر قم است. این استان بین ۵۰ درجه و ۲ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ و ۳۴ درجه و ۱۰ دقیقه تا ۳۵ درجه عرض شمالی نسبت به خط استوا قرار گرفته است (بنایی، ۱۳۹۰: ۱۱). استان قم با استان‌های تهران، مرکزی، اصفهان و سمنان همسایه است و از شمال به شهرستان‌های ورامین، شهر ری، زرنندیه و ساوه، از جنوب به شهرستان‌های آران و بیدگل، کاشان و دلیجان، از شرق به گرمسار و دریاچه نمک و از غرب به آشتیان و تفرش محدود شده است (نقشه شماره ۱).

این استان در حال حاضر، دارای یک شهرستان (شهرستان قم)، ۵ بخش (مرکزی، سلفچگان، خلیجستان، کهک، جعفریه)، ۶ شهر (مرکزی، سلفچگان، خلیجستان، کهک، جعفریه، قنات) و ۹ دهستان است. براساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰، جمعیت استان قم ۱،۶۷۲، ۱،۱۵۱ نفر بوده که ۰،۳۶، ۱،۰۷۴ نفر آن (حدود ۹۴ درصد) در مرکز استان ساکن هستند (استانداری قم، دفتر آمار و اطلاعات). شهر قم از موقعیت جغرافیایی و ارتباطی مناسبی در مرکز ایران برخوردار است و در مسیر گذرگاه‌های اصلی شمال-جنوب و غرب-شرق کشور واقع شده است.

۱. آیکونوگرافی برگرفته از تئوری گاتمن، به معنای عوامل معنوی انسجام و پیوستگی ملت می‌باشد.



نقشه ۱: موقعیت استان قم و شهرستان‌های همسایه، مأخذ: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

• سیر تقسیمات کشوری و سطوح کنونی آن

پس از نهضت مشروطه در اولین دوره قانون‌گذاری در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی، قانونی تحت‌عنوان قانون تشکیل ایالات و ولایات به تصویب رسید. ماده ۲ قانون مزبور واژه‌های ایالت و ولایت را تعریف و اسامی ۴ ایالت را که عبارت بودند از آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و خراسان مشخص نمود.

تا ۱۶ آبان ماه سال ۱۳۱۶ هجری شمسی که قانون تقسیمات کشوری و وظایف فرمانداران و بخشداران به تصویب و کشور ایران به شش استان (شامل استان‌های شمال‌غرب، غرب، شمال، جنوب، شمال‌شرق و استان مکران) و پنجاه شهرستان تقسیم شد.

در نوزدهم دی ماه سال ۱۳۱۶، با اصلاح قانون تقسیمات کشوری و بر اساس ماده یک آن، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد.

از سال ۱۳۱۶ به بعد تغییراتی در تقسیمات کشوری به استناد تبصره ماده ۲ قانون سال ۱۳۱۶ به وجود آمد. در تغییر دیگر در قانون تقسیمات کشوری در سال ۱۳۳۹ استان‌ها به جای عدد با اسامی اصلی و تاریخی خود نامیده شدند و بر این اساس کشور به ۱۴ استان، ۶ فرمانداری کل، ۱۳۹ فرمانداری و ۴۴۹ بخش تقسیم شد. در سال ۱۳۵۷ و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران دارای ۲۴ استان، ۱۶۵ شهرستان و ۴۷۵ بخش بوده است.

در سال‌های اولیه پس از انقلاب اسلامی، عمده تغییرات، در تغییر نام عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری بود تا اینکه نخستین قانون تقسیمات کشوری پس از انقلاب تحت‌عنوان «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری» در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۶۸۱۲ مورخ ۱۳۶۲/۴/۳۰ به دولت ابلاغ شد. چارچوب این قانون، همان چارچوب قانون مصوب ۱۳۱۶/۱۰/۱۹ بوده است. طبق این قانون، ایران به چند استان و هر

استان به چند شهرستان و هر شهرستان به تعدادی بخش و هر بخش به چند دهستان تقسیم می‌شود.

استان: واحدی از تقسیمات کشوری است با محدوده جغرافیایی معین که از به هم پیوستن چند شهرستان هم‌جوار با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می‌شود.

شهرستان: واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند بخش هم‌جوار که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را به وجود آورده‌اند، تشکیل شده است.

بخش: واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند دهستان هم‌جوار مشتمل بر چندین مزرعه، مکان، روستا و احیاناً شهر که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، واحد همگنی را به وجود آورده‌اند، تشکیل شده است.

دهستان: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری یا محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه هم‌جوار تشکیل می‌شود و از لحاظ محیط طبیعی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همگن بوده و امکان خدمات‌رسانی و برنامه‌ریزی در سیستم، شبکه‌ای واحد را فراهم می‌نماید (مرکز آمار ایران).

• قم در سیر تقسیمات کشوری

در نخستین قانون تقسیمات کشوری که در سال ۱۲۸۵ با عنوان «قانون تشکیل ایالات و ولایات» به تصویب مجلس شورای ملی رسیده، ایران به ۴ ایالت تقسیم شد که عبارت بودند از آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و خراسان (مرکز پژوهش‌های مجلس) و با توجه به اینکه در قانون مذکور اشاره‌ای به زیرمجموعه ایالات نشده، سطح و جایگاه قم در این تقسیمات نامعلوم است.

دومین قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶ است. طبق این قانون، کشور ایران به شش استان (شامل استان‌های شمال‌غرب، غرب، شمال، جنوب، شمال شرق و استان مکران) و پنجاه شهرستان تقسیم شد و شهرستان قم نیز جزو استان شمال بوده است.

از این تاریخ به بعد همزمان با ایجاد تغییرات و اصلاحات در مرزهای واحدهای سیاسی اداری، منطقه قم نیز به‌عنوان یکی از فضاهای سیاسی کشور، از این فرایند متأثر شده و تغییراتی را در مرزها و سطح سیاسی خود شاهد بوده است. برای مثال الحاق خلیجستان به قم از موارد معدود تغییرات تقسیماتی است که در ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶ شکل گرفت.

در اصلاحیه دومین قانون تقسیمات کشوری در نوزدهم دی‌ماه ۱۳۱۶، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد و شهرستان قم جزو استان دوم محسوب می‌شد.

در تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۲۶ نیز، استان مرکزی (به مرکزیت تهران) ایجاد شد و شهرستان قم نیز از جمله شهرستان‌های این استان به‌شمار آمد.

در سال ۱۳۳۹ و با توجه به تغییراتی که در تقسیمات کشوری به‌وجود آمد، کشور به ۱۴ استان و ۶ فرمانداری کل و ۱۳۹ فرمانداری و ۴۴۹ بخش‌داری تقسیم شد و قم همچنان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی (به مرکزیت تهران)

شناخته می‌شد.

در سال ۱۳۵۶، مرکز استان مرکزی از تهران به اراک انتقال یافته و شهرستان قم به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی (به مرکزیت اراک) قرار گرفت.

در سال ۱۳۶۲ که نخستین قانون تقسیمات کشوری پس از انقلاب به تصویب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسید، تغییری در جایگاه شهرستان قم در نظام تقسیمات کشوری ایران ایجاد نشد.

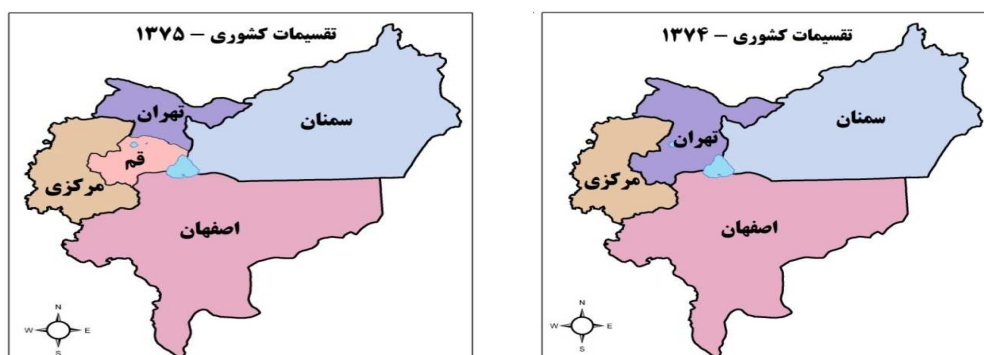
در جلسه مورخ ۱۳۶۵/۱/۲۷ بنا به پیشنهاد شماره ۲۸۱۳۸ س مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۳ وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب تیرماه ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی، شهرستان قم از استان مرکزی منتزع و به استان تهران ملحق گردید.

در جلسه مورخ ۱۳۶۶/۲/۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۹۵۵.۱.۵.۵۳ مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲۸ وزارت کشور به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب تیرماه سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی، در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و تبصره‌های ذیل آن و ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی آن.

در قسمتی از شهرستان قم تابع استان تهران، تعداد ۹ دهستان شامل روستاها، مزارع و مکان‌ها در محدوده جغرافیایی معین شامل نیزار، راهجرد شرقی، قمرود، قنات، دستجرد، قاهان، کهک، فردو و جعفرآباد ایجاد و تشکیل گردید.

در نهایت، در سال ۱۳۷۵ به موجب تصویب قانون ایجاد استان قم، شهرستان قم از استان تهران منتزع و به مرکزیت شهر قم و متشکل از بخش‌های مرکزی، خلیجستان، جعفرآباد و کهک به استان جدیدی تبدیل شد.

قانون فوق در جلسه روز سه‌شنبه چهارم اردیبهشت‌ماه یک‌هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۲/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسید (نقشه شماره ۲).



نقشه ۲: انتزاع شهرستان قم از استان تهران (نگارندگان)

به دنبال ارتقاء سطح سیاسی قم به استان، تغییراتی در مرزهای آن به‌وجود آمد. از جمله براساس مصوبه هیات وزیران (۱۳۷۵/۲/۳۰)، روستای گازران، مرکز بخش جعفرآباد به شهر تبدیل شد و به نام شهر جعفریه شناخته شد. همچنین روستای کهک مرکز بخش نوفل‌لوشاتو به شهر تبدیل شده و به نام شهر کهک شناخته شد.

کمتر از ۶ سال بعد در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲، روستای دستجرد مرکز بخش خلیجستان نیز به سطح شهر ارتقا یافت و به شهر دستجرد تبدیل شد. علاوه بر آن شهر قنات از ادغام روستاهای حاجی‌آباد لک‌ها، والیجر، مرادآباد، حسن‌آباد

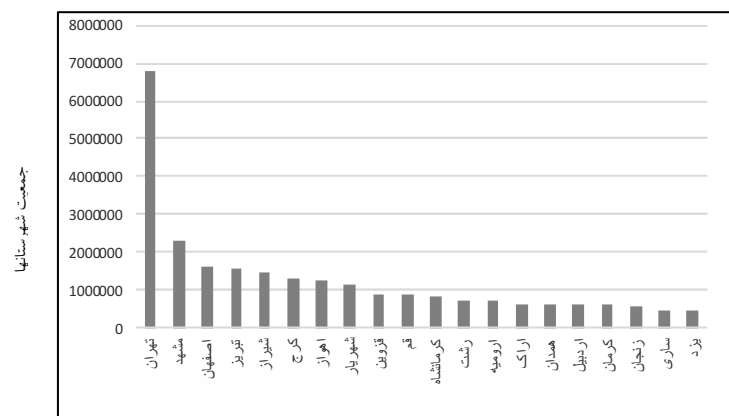


نقشه ۳: شهرستان‌های وسیع‌تر از قم
(مرکز آمار ایران، ترسیم از نگارندگان)

• عامل جمعیت

در طول تاریخ تقسیمات کشوری ایران، عامل جمعیت یکی از عوامل تأثیرگذار بوده و بسیاری از تغییرات با اتکا به وجود حد نصاب‌های جمعیتی رخ داده است و ضرورت مدیریت بهینه فضا با توجه به افزایش جمعیت که از اهداف سازمان‌دهی سیاسی فضا است، منجر به این تغییرات شده است.

منطقه‌ای که در سال ۱۳۷۵ به صورت استان قم در نقشه ایران ظاهر گشت، در این سال ۸۵۸.۷۳۳ جمعیت داشت. در این زمان شهرستان‌های کرج با جمعیت ۱.۲۹۴.۹۱۳ نفر، شهریار با جمعیت ۱.۱۳۶.۱۶۸ نفر و قزوین با جمعیت ۸۶۷.۳۰۴ نفر در رتبه‌های بالاتری نسبت به قم قرار داشتند و ۱۶ شهر کم‌جمعیت‌تر از قم نیز وجود داشتند که مرکز استان بودند. به این ترتیب اگرچه از نظر شاخص جمعیت، زمینه شکل‌گیری استان قم فراهم بود، درعین حال نمی‌توان این عامل را تنها عامل تعیین‌کننده در نظر گرفت. چرا که هم شهرهای پرجمعیت‌تر نظیر کرج، شهریار و قزوین وجود داشتند که مرکز استان نبودند و هم شهرهای کم‌جمعیت‌تر از قم که مرکز استان بودند.



نمودار ۲: جمعیت شهرستان‌ها در سال ۱۳۷۵، (مرکز آمار ایران، ترسیم از نگارندگان)

• عامل سیاسی - مذهبی

در این بخش از یافته‌های تحقیق، این مسئله بررسی می‌شود که عامل سیاسی - مذهبی منبعث از ایدئولوژی تشیع چگونه در گام نخست، موقعیت و جایگاه شهر قم را تقویت نموده و در گام بعدی زمینه‌های ارتقای سطح سیاسی تقسیمات کشوری آن را فراهم نموده‌است. در جریان حکومت‌های سلطنتی قبل از مشروطه در ایران، مراجع شیعه ناگزیر و بر اساس ملاحظات اضطراری خاص آن دوران، نظریه «سلطان شیعه» را مبنا قرار داده و عمدتاً تداوم آن حکومت‌ها را مجاز می‌دانستند. در اواخر حکومت قاجار نیز اگر چه به تدریج از مقبولیت و مشروعیت حکومت کاسته شد، اما مستقر بودن نهاد مرجعیت در نجف و دور بودن آن از ایران باعث شد تا رهبری نهضت مشروطه از دست علما خارج شده و این جنبش را با شکست روبرو کند. به نظر می‌رسد شکست انقلاب مشروطه برای نهاد دین دو دیدگاه را پدید آورد:

ا. شماری این واقعه تاریخی را موید و دلیل قوی می‌انگاشتند بر اینکه حکومت در عصر غیبت حرام است و نتیجه می‌گرفتند که نباید کاری به مسائل سیاسی داشت. آن‌ها به نظریه جدایی دین از سیاست معتقد بودند.

ب. شماری به این فکر افتادند که یک مرکز علمی در ایران تأسیس نموده و علم نهاد مرجعیت در کشور را برافرازند. آنان احساس کردند تنها کشور شیعه، باید به یک پایگاه معنوی و علمی قوی تبدیل شود و به تدریج مرکزیت علمی جهان تشیع را از آن خود کند (عیسی‌زاده، www.al-shia.org).

از نظر این گروه، این تنها راه جلوگیری از ناکام ماندن جنبش‌های آزادی‌خواهانه مردم ایران بود. این دیدگاه با دعوت از شیخ عبدالکریم حائری پی‌گیری شد. وی با اینکه می‌توانست در نجف از مراجع بزرگ باشد، این دعوت را پذیرفت و ابتدا در اراک و سپس در قم مستقر شد. به این ترتیب حوزه علمیه قم تأسیس شد و به تدریج با تلاش‌های آیت‌ا... حائری و پس از او با مکتب جدید فقهی آیت‌ا... بروجردی و سپس مکتب فقه سیاسی آیت‌ا... خمینی و شاگردانش به مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز آموزش معارف شیعی تبدیل گشت.

حوزه علمیه قم بدون تردید اثرگذاری زیادی در تاریخ معاصر ایران داشت و بسیاری از رخداد‌های مهم کشور متأثر از تفکرات و دیدگاه‌های پرورش‌یافته در این حوزه بوده است.

چنین به نظر می‌رسد که وقوع انقلاب اسلامی در ایران که بدون شک از مهم‌ترین وقایع نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌رود تا حد زیادی بر محور حوزه علمیه قم، رقم خورده است. به عبارتی حوزه علمیه قم هم زمینه‌ساز پیروزی انقلاب بوده و هم در سال‌های بعد پشتیبانی معنوی برای آن به حساب می‌آید.

از طرفی عملکرد حوزه در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی، موقعیت سیاسی و وزن ژئوپلیتیکی شهر قم را افزایش داده و توجه رهبران انقلاب و مسئولین کشور را به خود جلب نموده است.

از جمله آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی تاکید می‌کند: ضروری است که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان حوزه صرف وقت نموده و با برنامه دقیق و صحیح، حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم را از آسیب حفظ نمایند (وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر کنونی انقلاب نیز شهر قم را مرکز انقلاب و مرکز معرفتی دنیای اسلام قلمداد می‌کند و حوزه علمیه این شهر را پرورشگاه انسان‌هایی می‌داند که انقلاب و کشور و ملت را هدایت می‌کنند (دیدار با مردم قم، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹).

ایشان در دیداری که با مردم قم در تاریخ ۱۳۷۴/۹/۱۳ برگزار شد، به‌طور مشخص موضوع تغییر در تقسیمات کشوری قم را مطرح نموده و اولین گام برای بهبود و پیشرفت اوضاع این شهر را استان شدن آن اعلام کرد (farsi.khamenei.ir) و پس از آن نیز، در دیدار اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با ایشان، آیت‌الله امینی دبیر وقت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، از توجه ایشان به مسائل و مشکلات مردم این شهر و نیز حمایت‌های ایشان از برنامه‌های مربوط به رشد و اعتلای حوزه علمیه قم تشکر کرد و امیدواری رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبدیل شدن شهرستان قم به استان را بشارتی برای مردم این منطقه و حل مشکلات آنان خواند (farsi.khamenei.ir).

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز تبدیل شدن شهرستان قم به استان را از توجهات مقام معظم رهبری به شهر قم و منشأ خدمات زیادی در شهر قم و اطراف آن دانستند که به‌دنبال آن باعث تغییراتی در حوزه‌های علمیه شد (af.samta.ir).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری

با بررسی عوامل تأثیرگذار در ارتقاء سیاسی فضا، به‌نظر می‌رسد ماهیت سیاسی شهرستان قم با وجود دارا بودن پایگاه علمی و فقهی تشیع و با توجه به فقه سیاسی شیعه که تشکیل حکومت اسلامی را محدود به مرز خاصی نمی‌داند و با توجه به این نکته که قم به‌عنوان مرکز فکری این فقه سیاسی و نقطه شروع نهضت شکل‌گیری حکومت اسلامی شیعی بوده است و به‌لحاظ این تأثیرگذاری در سفر مقام معظم رهبری به قم از آن به‌عنوان «مادر انقلاب» یاد شده است. لذا ضرورت این سیاست نظام از طرفی در راستای تقویت مرکز هویت‌ساز شیعه در سطح ملی و ارتقاء سطح سیاسی آن به‌منظور پررنگ کردن این نقش است و نیز در جهت فراگیر کردن تفکر شیعی و سیاست صدور انقلاب که به‌عنوان یکی از اهداف انقلاب اسلامی برشمرده می‌شود قابل توجه است. بررسی سیر تاریخی مراکز تشیع و علل انتقال این پایگاه به قم و اهمیت یافتن این شهر به‌عنوان مرکز فکری تشیع از سال‌های بعد از مشروطه گویای این مطلب است که حرکت به سمت این هدف، با نگاهی آینده‌نگرانه و با افقی جهان‌شمول به‌منظور قدرت‌یابی پایگاه علمی و فکری تشیع صورت پذیرفته است و این هدف از ابتدای شکل‌گیری آن تا دوران اخیر همواره دنبال شده است و در سال‌های پس از انقلاب، این هدف با قرا گرفتن در کنار عامل سیاسی با شتاب بیشتری دنبال شده است و در نهایت، با ارتقاء سطح سیاسی، این پایگاه علمی - مذهبی، نقش سیاسی نیز به‌خود گرفته و دارای بالاترین سطح فروملی می‌گردد و این نقش و اهمیت آن سایر عوامل موثر را تحت‌تأثیر قرار داده و با وجود عدم دارا بودن ملاک‌های مطرح و رایج در ارتقاء سطح سیاسی، عامل سیاسی - مذهبی ایدئولوژی تشیع در کنار عوامل دیگر، منجر به شکل‌گیری استان قم شده است و این عامل بیش از سایر عوامل در استان شدن شهرستان قم تأثیر داشته است و خود به‌عنوان عامل اصلی مطرح شده و منجر به شکل‌گیری استان قم می‌گردد.

طی بررسی صورت گرفته در عوامل تأثیرگذار مطرح، بر ارتقاء سطح در سازمان‌دهی سیاسی فضا مانند؛ جمعیت و وسعت در مورد استان قم، از آنجایی که در سال ۱۳۷۵ شهرستان‌های دیگری در کشور وجود داشتند که از لحاظ وسعت وسیع‌تر و از لحاظ جمعیت نیز پرجمعیت‌تر از شهرستان قم بوده‌اند و این تغییر سطح در آن‌ها رخ نداد و برخی در سال‌های بعد به استان تبدیل شده و یا زمینه ارتقاء سطح را به‌وجود آوردند و خود به‌عنوان مرکز استان مطرح

شدند. لذا نمی‌توان آن‌ها را عوامل اصلی تأثیرگذار در ارتقاء سطح سیاسی فضا دانست و این تغییر را برآمده از این ویژگی‌ها به حساب آورد؛ زیرا در این صورت عدم ارتقاء سطح شهرستان‌های مذکور قابل توجیه نیست. پس از عوامل فوق در بررسی عامل سیاسی - مذهبی با توجه به موقعیت جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و موقعیت شیعیان در کشورهای اسلامی و نقش ایدئولوژی سیاسی مذهبی تشیع در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و به لحاظ اهمیت آن در گسترش فرهنگ شیعی و حمایت از شیعیان منطقه، به نظر می‌رسد این ارتقاء سطح سیاسی به دنبال تقویت ام‌القرای جهان تشیع بوده و هدف از آن تقویت مرکز علمی و فکری تشیع و بلکه، فراتر از اهداف ملی، به دنبال یک هدف فراملی شکل گرفته است به عنوان یک ضرورت در سیاست‌های کلی نظام قابل بررسی است و اینکه این شهرستان در نظام سیاسی کشور دارای بالاترین جایگاه تعریف شده در نظام سیاسی باشد به معنای تقویت هسته و مرکز یک ایدئولوژی و فرهنگ، بنام تشیع است و با توجه به اینکه بین وزن مرکز و میزان پخش در پیرامون آن رابطه مستقیم وجود دارد، افزایش وزن مرکز ایدئولوژی تشیع به منظور گسترش شعاع تأثیرگذاری آن قابل توجیه است.

کتابشناسی

۱. بدیعی، مرجان (۱۳۹۲)، جزوه سازمان‌دهی سیاسی فضا؛ دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا؛
۲. بنایی، علی (۱۳۹۰)، شناخت نامه قم، جلد پنجم بخش دوم، قم: نشر نور؛
۳. پایگاه مجمع جهانی شیعه‌شناسی، <http://shiastudies.net>؛
۴. استانداری قم، دفتر آمار و اطلاعات؛
۵. وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری؛
۶. تولایی، نسرین، نقش مذهب در شکل‌گیری فضای جغرافیایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مقاله ۵۷۰؛
۷. جعفریان، رسول (۱۳۶۹)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی؛
۸. دانشنامه ویکی‌پدیا، سیر تقسیمات کشوری در ایران؛
۹. دفتر پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
۱۰. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست (تهران: نشر نی ۱۳۷۳) ص ۸۴ و ۸۵؛
۱۱. عیسی‌زاده، سیدمحمد، حوزه علمیه قم و تولید علم در سده معاصر ایران، پایگاه مقالات سایت آل‌البیت، www.al-shia.org/html/far/books/maqalat؛
۱۲. مجمع جهانی اهل‌البیت(ع)، دفتر امور شیعیان؛
۱۳. محمدرضا شفیعی‌فر (۱۳۷۸)، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم: نهاد رهبری در دانشگاه‌ها؛
۱۴. مرکز آمار ایران، www.amar.org؛
۱۵. میرحیدر، دره (۱۳۷۸)، مبانی جغرافیای سیاسی؛ تهران: سمت؛
۱۶. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی(ره)؛
17. http://af.samta.ir/atlas/index.php?title=مدارس_دینی_استان_قم
18. http://fa.wikipedia.org/wiki/پیشینه_تقسیمات_کشوری_ایران /
19. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۰۲۱۱>
20. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۰۱۰۱>